

A Statistical Analysis of the Role of Class Timing in the Effectiveness and Impact of Islamic Studies Courses from the Perspective of Students: A Case Study of Khatam al-Anbiya' (PBH) University of Technology, Behbahan

Seyed Saeed Miri¹, Zahra Behdani²

¹ Associate Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Basic Sciences, Khatam Al-Anbia University of Technology, Behbahan, Iran (**Corresponding author**). miri@bkatu.ac.ir

² Assistant Professor, Department of Mathematics and Statistics, Faculty of Energy and Data, Khatam Al-Anbia University of Technology, Behbahan, Iran.
zbehdani@yahoo.com

Abstract

The purpose of this study is to statistically examine the appropriateness or inappropriateness of different daily class hours for holding Islamic studies courses from the perspective of students at Khatam al-Anbiya' (peace be upon him) University of Technology in Behbahan. The main research question is: from the viewpoint of students, which hours of the day are the most suitable and the least suitable for holding Islamic studies classes during an academic day? In other words, the research problem is to determine the degree of appropriateness (best and least suitable) of class hours in order to reduce barriers to the effectiveness and influence of these courses for students. The research method was field-based and questionnaire-driven. The validity of the questionnaire was confirmed using content validity, and its reliability was verified with a Cronbach's alpha coefficient of 0.82. Qualitative data were analyzed through thematic coding, thematic analysis, and frequency distribution diagrams. The results indicate that the most suitable class times according to students were, in order, 10–12 (by a significant margin over other hours), followed by 16–18 and 14–16. The least suitable times, based on inefficiency, were 18–20 and 8–10. The appropriateness and effectiveness of the latter two time slots were strikingly low, such that holding classes at these times not only lacked the necessary effectiveness but even generated certain negative feelings among students.

Keywords: Timing, Islamic Studies Course, Students, Khatam Al-Anbiya' University of Technology, Classroom.

Received: 2025/04/28 ; **Revised:** 2025/06/07 ; **Accepted:** 2025/07/17 ; **Published online:** 2025/10/02

Cite this article: Miri, S.S. & Behdani, Z. (2025). A Statistical Analysis of the Role of Class Timing in the Effectiveness and Impact of Islamic Studies Courses from the Perspective of Students: A Case Study of Khatam al-Anbiya' (PBH) University of Technology, Behbahan. *Research Quarterly of Islamic Education and Training*, 6(3), p. 93-108. <https://doi.org/10.48310/RIET.2025.19829.1468>

Publisher: Farhangian University

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Article type: Research Article

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights





بررسی و تحلیل آماری «نقش عنصر زمان کلاس درس در میزان کارآمدی و تأثیرگذاری دروس معارف اسلامی از دیدگاه دانشجویان؛ مطالعه موردی دانشگاه صنعتی خاتم الانبیاء (ص) بهبهان

سید سعید میری^۱، زهرا بهدانی^۲

^۱ دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم پایه، دانشگاه صنعتی خاتم الانبیاء (ص)، بهبهان،

ایران (نویسنده مسئول). miri@bkatu.ac.ir

^۲ استادیار، گروه ریاضی و آمار، دانشکده انرژی و داده، دانشگاه صنعتی خاتم الانبیاء (ص)، بهبهان،

ایران. zbehdani@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی آماری میزان مناسبت و عدم مناسبت ساعات آموزشی مختلف روزانه برای برگزاری کلاس‌های دروس معارف اسلامی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه صنعتی خاتم الانبیاء (ص) بهبهان می‌باشد. پرسش اصلی پژوهش این است که از نظر دانشجویان بهترین و مناسب‌ترین ساعات و نامناسب‌ترین ساعات برای برگزاری کلاس‌های دروس معارف اسلامی در طول یک روز تحصیلی کدامند؟ به عبارت دیگر، مسأله پژوهش روشن شدن میزان مناسبت (بهترین و نامناسب‌ترین) ساعات برگزاری دروس معارف اسلامی برای کمترکردن موانع رونق و تأثیرگذاری این دروس برای دانشجویان است. روش تحقیق میدانی و پرسشنامه‌محور بوده است. روایی پرسشنامه با استفاده از روایی محتوایی و پایایی با آلفای کرونباخ ۰.۸۲ تأیید شد. داده‌های کیفی با کدگذاری موضوعی، تحلیل تماتیک و ترسیم نمودارهای فراوانی بررسی شدند. نتایج گویای آن است که بیشترین مناسبت زمانی از نظر دانشجویان به ترتیب از ساعات ۱۲ الی ۱۰ - با فاصله زیاد از سایر ساعات - و بعد از آن ساعات ۱۸ الی ۱۶ و ۱۶ الی ۱۴ بوده و نامناسب‌ترین ساعات به ترتیب میزان ناکارآمدی ساعات ۲۰ الی ۱۸ و ۱۰ الی ۸ است. مناسبت و میزان کارآمدی دو بازه اخیر به نحو چشمگیری پایین است؛ به گونه‌ای که تشکیل کلاس در این ساعات فاقد تأثیرگذاری لازم و حتی باعث ایجاد برخی احساسات منفی در دانشجویان نیز شود.

کلیدواژه‌ها: زمان، درس معارف، دانشجویان، دانشگاه صنعتی خاتم الانبیاء بهبهان، کلاس درس.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۶؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

استناد به این مقاله: میری، سید سعید؛ بهدانی، زهرا (۱۴۰۴). بررسی و تحلیل آماری «نقش عنصر زمان کلاس درس در میزان کارآمدی و تأثیرگذاری دروس معارف اسلامی از دیدگاه دانشجویان؛ مطالعه موردی دانشگاه صنعتی خاتم الانبیاء (ص) بهبهان. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۶(۳)، ص ۹۳-۱۰۸. <https://doi.org/10.48310/RIET.2025.19829.1468>

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه فرهنگیان

۱۴۰۴ ©/نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.



۱. مقدمه

از نقطه نظر مبانی و چارچوب نظری بحث، مسئله نقش و تأثیر زمان در حیات انسان و از جمله فرآیند تعلیم و تربیت، هم در نصوص وحیانی (مزمل، ۱-۷؛ طه، ۱۳۰؛ ق، ۳۹) و هم در تحقیقات انسانی، پیوسته از جهاتی مورد توجه بوده است (بلوسی، ۱۳۸۵). در قرآن کریم به پیامبر اسلام (ص) دستور داده شده برای دریافت سخنی سنگین و وزین (وحی) از ظرفیت زمانی شب، بهره گیرد و آن را با تأنی بخواند: «يَا أَيُّهَا الْمَزْمُلُ، قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا، نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا، أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» (مزمل، ۱-۴) و بر این مقطع زمانی تأکید زیادی نموده است؛ زیرا دستور داده: «شب را، جز کمی، بپاخیز! نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن، یا بر نصف آن بیفز!» (مزمل، ۲-۴). البته در خلال این دستور به مبنای روان شناختی آن نیز اشاره شده است؛ که: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً؛ مسلماً نماز و عبادت شبانه پابرجاتر و با استقامت تر است» (مزمل، ۶). در تعلیل مناسبت و ویژه این زمان برای مطالعه عبادی و تهجد، مفسران اقوالی را ذکر کرده اند که عمدتاً ناظر بر هماهنگی و همکاری گوش و چشم و قلب است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۹، ص ۸۹). این هماهنگی بدان علت است که خاطر انسان از شواغل معیشت فارغ و دست انسان از اسباب ظاهری بریده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۴). سیاق آیات در فرآیند «نزل قول ثقیل» در مقطع زمانی «لیل» به علت «أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً» (پابرجائی و استقامت) به روشنی گواه نقش و تأثیر زمان در تسهیل و تعمیق دریافت و فراگیری انسان در دو حیطه شناختی (آموزشی) و عاطفی (تربیتی) است. همچنین در آیه «فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى؛ پس در برابر آنچه می گویند، صبر کن! و پیش از طلوع آفتاب، و قبل از غروب آن؛ تسبیح و حمد پروردگارت را به جا آور! ...» (طه، ۱۳۰)؛ نقش عنصر زمان در تربیت به وضوح مورد تأکید قرار گرفته است. بی تردید در زمانه ما نیز این شاخص یکی از عناصر مهم و تأثیرگذار در فرآیند تعلیم و تربیت می باشد. در خصوص صورت بندی های ارائه شده از نظام تعلیم و تربیت می توان گفت یکی از معروف ترین ساختارهای نمایه شده از عناصر برنامه آموزشی، الگوی فرانسیس کلاین^۱ در الگوی مطالعه آموزشی^۲ می باشد. کلاین، پارادایم زمان را به عنوان یکی از ۹ عنصر اساسی تشکیل دهنده برنامه آموزشی می داند که عبارتند از: اهداف، محتوا، فعالیت های یادگیری، روش های تدریس، مواد و منابع یادگیری، ارزشیابی، زمان، فضا و گروه بندی (ابراهیم کافوری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵۲-۵۳). طبق یک تعریف [با اندکی تصرّف]، فرآیند مدیریت زمان عبارت است از: «مدیریت نیازها

1. Klein

2. SOS

و آرزوهای شخصی [و سازمانی]، با توجه به سطح اهمیت آنها که عمدتاً شامل سه مهارت می‌شود: اولویت‌ها و اهداف، مکانیک مدیریت زمان، و اولویت برای سازمان. مدیریت زمان همیشه یک موضوع مهم برای هر فرد و سازمان است؛ تا آنجا که می‌توان گفت اثربخشی کار عمیقاً با ارزیابی شخصی [یا سازمانی] مدیریت زمان مرتبط است. چنین ارزیابی از مدیریت زمان بیانگر اهمیت مدیریت زمان در سازمان [و ازجمله مراکز آموزشی مثل] مدرسه [و دانشگاه] است» (Kayode & Ayodele, 2015)؛ به نقل از: عزیزپور و همکاران، ۱۴۰۲).

گرچه این جستار از حیث انتفاع در نهایت به هر سه مهارت توجه دارد؛ لیکن بیشتر ناظر به مکانیک مدیریت زمان و اولویت ساعات تدریس در یک روز می‌باشد. شاید بتوان گفت اهمیت بررسی این موضوع در خصوص دروس معارف اسلامی بیشتر است؛ زیرا با توجه به ماهیت عمدتاً معرفتی و انتزاعی (غیرحسی و تجربی) که دارند و نیز به لحاظ نگاه نادرست بسیاری از دانشجویان به دروس عمومی، که معمولاً این دروس را در مقایسه با دروس تخصصی کم‌اهمیت‌تر تلقی می‌کنند، موانع بیشتری در خصوص اقبال دانشجویان بر سر راه خود دارند. یکی از عواملی که در صورت عدم مدیریت صحیح می‌تواند خود به مانع و چالشی بر سر این راه تبدیل شود، زمان تدریس دروس معارف اسلامی در طول روز تحصیلی است. گرچه اهمیت عنصر زمان در فراگیری دانش و فراوری تربیت با رجوع به تجربه فردی و اجتماعی بشر تا حدود زیادی روشن است؛ ولیکن با توجه به ماهیت و ساختار دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها و اظهارات مکرر دانشجویان و اساتید این دروس در خصوص بی‌انگیزگی یا کم‌انگیزگی بیشینه دانشجویان در برخی ساعات روز، لازم می‌بود تا پژوهشی علمی و آماری به تبیین دقیق‌تر این مسئله بپردازد. احوال مزاج دانشجویان از حیث ضعف نشاط و شادابی یا بی‌انگیزگی و کسالت در طول ساعات برگزاری که مدرسان این دروس به شکل مدام با آن درگیر هستند، بر اهمیت این پژوهش می‌افزاید؛ تا شاید راهی برای برون‌رفت از این معضل یا حداقل تعدیل آن یافت شود. آنچه بر اهمیت این موضوع می‌افزاید، بُعد اعتقادی و تربیتی این دروس است که در حقیقت، هدف اصلی آموزش آنها است؛ زیرا فرایند بنیادین مترتب بر گذراندن این واحدهای درسی و آموزشی این است که موجد بینش خاص اسلامی ایرانی در دانشجو شده؛ تا در نتیجه آن، شکل‌دهنده منش او گردد. منش، همان شخصیت است که در صورت طی شدن بایسته این مسیر، باعث پیدایش رفتارها و کنش‌های فردی و اجتماعی مبارکی می‌گردد که هدف تربیتی نظام تعلیم و تربیت اسلامی است. واقعیتی را که در آموزش این‌گونه دروس هنجاری و اعتقادی باید بدان توجه ویژه داشت، این است که چون این سنخ دروس با طرز فکر، اعتقادات، جهان‌بینی و روان فراگیران ارتباط مستقیم و تنگاتنگ دارند، ناگزیر باید با ظرافت و حساسیت خاصی آموزش داده شوند.

انسان‌ها معمولاً تمایل چندانی به انس گرفتن با مفاهیم و آموزه‌هایی که در تعارض یا تقابل با اعتقادات یا راحتی آنها قرار دارد یا به‌نحوی برخی آزادی‌های آنها را محدود می‌کند یا به چالش می‌کشد، ندارند (مرادی دولیسکانی و همکاران، ۱۳۹۵). این مشکل در زمانه ما که از یک طرف، دوران غلبه حس‌گرایی و راحت‌طلبی است و از طرف دیگر، زمانه القاء تردیدها و شیطنت‌های مستمر در خصوص معارف الهی و وحیانی است، کار را بر معلمان این مکتب و این نوع دروس سخت‌تر می‌کند. به‌ویژه در عصر استیلاء رسانه‌ای که مدیریت آن غالباً در اختیار کسانی است که چندان اعتقادی به این‌گونه مفاهیم و آموزه‌ها ندارند. بر همین اساس، پژوهشی آماری با موضوع بررسی مقایسه‌ای ساعات برگزاری دروس معارف اسلامی برای کم‌تر کردن موانع تأثیرگذاری برنامه درسی معارف اسلامی و ایجاد جذبه، نشاط و کارآمدی بیشتر این دروس در دانشگاه صنعتی خاتم‌الانبیاء (ص) بهبهان صورت گرفته، که نتایج آن می‌تواند مورد توجه دست‌اندرکاران، سیاست‌گذاران، دانشگاه‌ها و اساتید دروس معارف اسلامی قرار گیرد. در این پژوهش، مسئله تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از شاخص زمان به نسبت مؤلفه‌ها و عناصری همچون احساس خستگی یا شور و نشاط، احساس یأس و ناامیدی، میزان علاقه‌مندی، میزان استقبال، مناسبیت برای برگزاری کلاس، حس‌وحال درس داشتن، احساس انگیزندگی، میزان یادگیری، میزان تأثیرپذیری، بی‌خوابی یا بدخوابی، گرسنگی و تشنگی و عوارض جسمانی و روانی، میل و احساس اعتراض و انتقاد، و احساس معنویت در کلاس‌های دروس معارف اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. روش پژوهش

جستار حاضر با هدف شناسایی تأثیر زمان برگزاری کلاس‌های دروس معارف اسلامی بر متغیرهای استقبال دانشجویان، کیفیت یادگیری و احساسات مرتبط طراحی شد. این تحقیق به‌طور خاص درصدد پاسخ به این پرسش بود که آیا تغییر ساعات برگزاری کلاس‌ها می‌تواند اثربخشی آموزشی این دروس را افزایش دهد یا خیر؟ این پژوهش به‌صورت میدانی - توصیفی با رویکرد ترکیبی (کمی - کیفی) انجام شد. جامعه آماری مورد مطالعه شامل ۱۳۸ دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه صنعتی خاتم‌الانبیاء (ص) بهبهان است که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ در دروس معارف اسلامی ثبت‌نام کرده بودند.

ابزار این پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته ۲۵ سؤالی مشتمل بر دو بخش اصلی است:

۱. **سوالات طیف لیکرت (کمی):** ۱۵ سؤال با مقیاس ۵ گزینه‌ای (از «خیلی کم=۱» تا «خیلی زیاد=۵»)

برای سنجش متغیرهایی مانند: میزان علاقه‌مندی به کلاس‌ها به‌نسبت زمان تدریس، تأثیر زمان کلاس بر خستگی، یادگیری و احساس معنوی، نقش و تأثیر اساتید در زمان‌های متفاوت برگزاری این دروس.

۲. **سوالات چندگزینه‌ای (کیفی):** ۱۰ سؤال برای شناسایی ترجیحات زمانی دانشجویان (مثلاً

«مناسب‌ترین زمان برگزاری کلاس‌ها؟» با گزینه‌های ۸-۱۰، ۱۰-۱۲، ۱۴-۱۶، ۱۶-۱۸، ۱۸-۲۰).
 روایی پرسشنامه با استفاده از روایی محتوایی و پایایی با آلفای کرونباخ ۰/۸۲ تأیید شد. داده‌های کیفی با کدگذاری موضوعی، تحلیل تماتیک و ترسیم نمودارهای فراوانی بررسی شدند. روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق، استفاده از پرسشنامه است. جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه صنعتی خاتم‌الانبیاء (ص) بهبهان است؛ که از بین ۱۲۵۶ دانشجویان در این مقطع، ۶۵۲ مرد و ۶۰۴ نفر زن هستند. برای این منظور، ۱۳۶ نفر از دانشجویان دوره کارشناسی برای نمونه آماری این مطالعه انتخاب شد. این تحقیق از طریق یک پرسشنامه با ۲۴ سؤال ترکیبی که برخی از مهم‌ترین سؤال‌های آن به‌صورت زیر است، طراحی شد:

- ۱) آیا شما به حضور در کلاس‌های معارفی علاقه‌ای دارید؟
- ۲) زمان ارائه دروس معارف در طول روز به چه میزان در احساس علاقه‌مندی دانشجویان به این دروس تأثیر دارد؟
- ۳) نقش زمان ارائه دروس معارف اسلامی در احساس خستگی و عدم علاقه‌مندی دانشجویان به نشستن در کلاس دروس معارف چیست؟
- ۴) نقش زمان برگزاری کلاس‌های دروس معارف اسلامی در استقبال یا عدم استقبال دانشجویان چقدر است؟
- ۵) مناسبیت ساعات ۸-۱۰ برای برگزاری دروس معارف اسلامی به چه میزانی است؟
- ۶) مناسبیت ساعات ۱۰-۱۲ برای برگزاری دروس معارف اسلامی به چه میزانی است؟
- ۷) مناسبیت ساعات ۱۴-۱۶ برای برگزاری دروس معارف اسلامی به چه میزانی است؟
- ۸) مناسبیت ساعات ۱۶-۱۸ برای برگزاری دروس معارف اسلامی به چه میزانی است؟
- ۹) مناسبیت ساعات ۱۸-۲۰ برای برگزاری دروس معارف اسلامی به چه میزانی است؟
- ۱۰) آیا شما در ساعات ۸-۱۰ در کلاس معارفی، همان‌حال کلاس غیر معارفی را دارید؟
- ۱۱) در چه ساعاتی از روز احساس انگیزتگی و علاقه بیشتری برای شنیدن دروس معارف دارید؟
- ۱۲) بیشترین میزان یادگیری و تأثیرپذیری از دروس معارف در چه ساعاتی اتفاق می‌افتد؟
- ۱۳) نقش بی‌خوابی یا بدخوابی شبانه دانشجویان در کسالت‌بار بودن دروس معارف در چه ساعاتی بیشتر است؟
- ۱۴) نقش گرسنگی، تشنگی یا سایر عوارض جسمانی، روحی و روانی در چه ساعات کلاسی پررنگ‌تر است؟

۱۵) احساس یأس و ناامیدی در کدام ساعات تدریس دروس معارف اسلامی شما را بیشتر آزار می‌دهد؟

۱۶) احساس اعتراض و انتقاد در کدام ساعات تدریس دروس معارف اسلامی بیشتر به شما روی می‌آورد؟

۱۷) در کدام ساعات حضور در کلاس درس معارف حس معنوی بهتری برای شما به وجود می‌آید؟

۱۸) نقش اساتید متفاوت در نشاط یا بی‌نشاطی دانشجویان در ساعات متفاوت به چه میزانی است؟ برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از روش‌های توصیفی استفاده شده است.

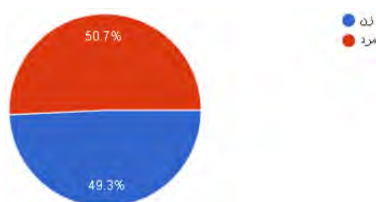
۳. پیشینه پژوهش

در خصوص بررسی اوضاع، شرایط، بایسته‌ها و نبایسته‌های کلاس‌ها و دروس معارف اسلامی، پژوهش‌هایی انجام شده است؛ از جمله بررسی دیدگاه دانشجویان دربارهٔ موانع اثربخشی دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی (امینی و همکاران، ۱۳۹۲)؛ همچنین، شناخت آسیب‌ها و راهکارهای کارآمدی این دروس (غلامی گنجوی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۴۱۵)؛ بررسی عناصر اصلی کلاس‌ها و دروس مثل منطق، هدف، محتوی، مواد و منابع آموزشی، راهبردهای یاددهی-یادگیری، فعالیت‌های یادگیری، گروه‌بندی، فضا، زمان و ارزشیابی (یوسف‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۸۸۳)؛ همچنین، بررسی موردی برخی عوامل تأثیرگذار مثل محیط آموزشی (رهنما و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۷۹) یا تحلیل برخی ویژگی‌های عاطفی و روانی در قالب گرایش فراگیران به دروس معارف (حلیمی جلودار، ۱۳۹۴، ص ۲۱). البته مقاله کنفرانسی مستقلی با عنوان «بررسی تأثیر مدیریت زمان بر یادگیری دانش‌آموزان در کلاس درس» (عزیزپور و همکاران، ۱۴۰۲) نگاشته شده؛ اما موضوع پژوهش حاضر، یعنی مناسبت ساعات مختلف کلاس، آن هم با روش بررسی آماری و موردی، نه به‌طور عام و نه به‌شکل خاص در حیطه آن تحقیقات نبوده است. به‌طور کلی، وجود پژوهشی مستقل اعم از کتاب یا مقاله در خصوص تحلیل موردی نقش عنصر زمان در کارآمدی و تأثیرگذاری کلاس‌های دروس معارف در «ساعات تحصیلی مختلف روز با رویکرد پایش آماری، آن هم از دیدگاه دانشجویان» دیده نشده و از این حیث این جستار می‌تواند در نوع خود نوپدید تلقی شود.

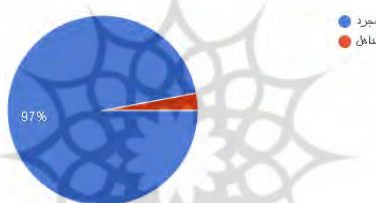
۴. یافته‌های پژوهش

گرچه این جستار با محوریت نقش عنصر زمان سامان یافته، ولیکن از رهگذر پاسخ‌های داده شده، حقایق قابل توجه دیگری نیز قابل استنباط است که تفصیل آماری آن داده‌ها به این شرح است. شکل (۱)،

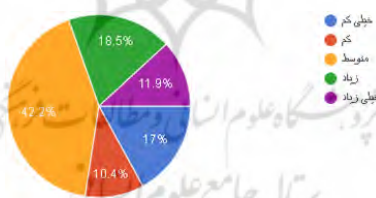
نمودار دایره‌ای توزیع جنسیتی در بین ۱۳۶ نفر از دانشجویان کارشناسی دانشگاه صنعتی از کلاس‌های مختلف است. در این نمودار، تعداد مردان ۶۹ نفر (۷/۵۰ درصد) و تعداد زنان ۶۷ نفر (۳/۴۹ درصد) است. این توزیع نشان می‌دهد که تعداد مردان کمی بیشتر از زنان است؛ اما نسبت نزدیک به هم میان این دو گروه وجود دارد. همچنین، شکل (۲) نشان می‌دهد ۹۷ درصد از این گروه مجرد و تنها ۳ درصد متأهل هستند. این توزیع نشان می‌دهد غالب جمعیت در وضعیت مجردی قرار دارند.



شکل ۱- نمودار دایره‌ای توزیع جنسیتی پاسخ‌دهندگان



شکل ۲- وضعیت تاهل پاسخ‌دهندگان



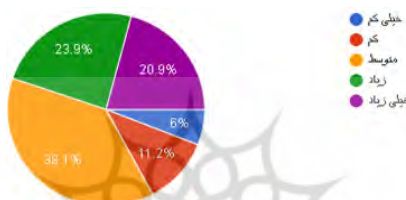
شکل ۳- نمودار دایره‌ای میزان علاقه‌مندی پاسخ‌دهندگان به دروس معارف اسلامی

شکل (۳) بیانگر میزان علاقه‌مندی دانشجویان پاسخ‌دهنده به دروس معارف اسلامی است. بیشتر از ۳۰ درصد از دانشجویان ابراز داشته‌اند که زیاد به این دروس علاقه دارند. گرچه اظهارنظر مجموعاً ۲۷ درصد افراد در خصوص ناچیز بودن علاقه به شرکت در کلاس‌های دروس معارف، پیام‌های خاص خود را دارد؛ در خصوص مسئله مورد بحث (زمان برگزاری کلاس) شاید بتوان گفت ساعت تشکیل کلاس معارف برای چنین افرادی خیلی تفاوتی ندارد؛ جز اینکه در برخی ساعات مثل ساعتی که با اوقات فراغت و تفریح آنها تعارض دارد، در کاهش بیشتر علاقه و شاید برگریز آنها بیفزاید؛ یعنی حتی در مورد این دسته از دانشجویان هم برخی زمان‌ها می‌تواند آثار منفی بیشتری داشته باشد. گرچه شاید زمان تکمیل پرسشنامه

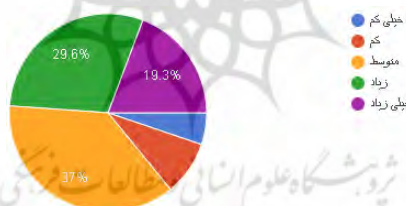
و پاسخگویی به همین پرسش نیز، در نوع و ماهیت پاسخ داده شده مؤثر بوده باشد. یکی از چالش های تحقیقاتی که مبتنی بر نقطه نظرات افراد است، همین است که نمی توان با قاطعیت گفت آنچه را که شخص به نوعی اظهار کرده، به راستی ترجمان حقیقت حس و حال و روان و ادراک او است، یا اظهارنظری سطحی و متأثر از برخی شرایط ناپایدار احوال، مزاج و یا محیطی بوده است؟

«حال من اکنون برون از گفتن است این چه می گویم نه احوال من است» (مولوی، ۱۳۹۷، ص ۲۵۴)

داده های حسی و تجربی برخاسته از متن و واقعیت تجربی محسوس، نوعاً مصون از چنین تردیدهایی هستند. تصویر شماره (۴) به روشنی گویای آن است که از نظر دانشجویان، زمان تدریس دروس و ساعات کلاسی تا چه میزان می تواند در ایجاد احساس خستگی و بی علافگی دانشجویان مؤثر باشد.

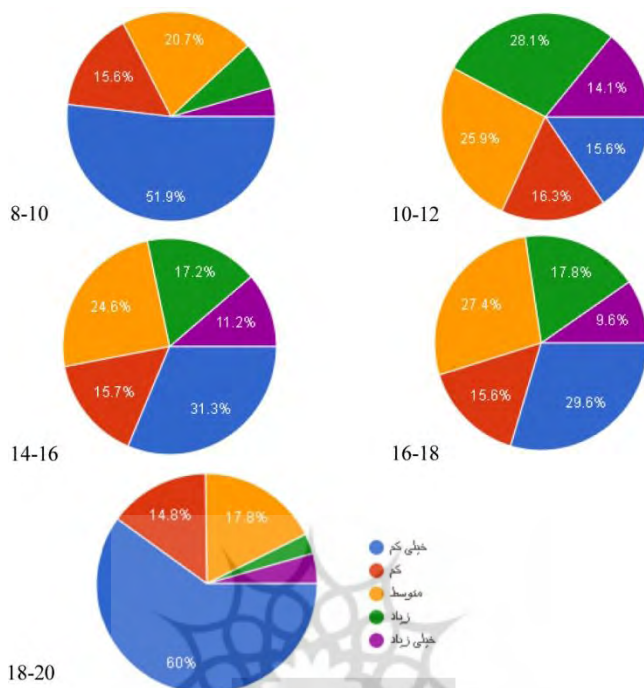


شکل ۴- نمودار دایره ای نقش زمان در احساس خستگی و عدم علاقه مندی دانشجویان به دروس معارف



شکل ۵- نقش زمان در استقبال دانشجویان از دروس معارف

آمار مندرج در شکل (۵) گویای اعتقاد اکثریت قاطع دانشجویان به نقش مؤثر زمان در کیفیت اثرگذاری دروس معارف اسلامی می باشد؛ که قریب به ۵۰ درصد آنها میزان چنین تأثیری را زیاد تا خیلی زیاد دانسته اند. این میزان تأثیر را نمی توان در برنامه ریزی نادیده گرفت. گاهی اوقات با سهل انگاری یا عدم درک عمیق شرایط، ناخواسته بهره مندی از ظرفیت های عظیم کلاس های معارفی را تا حدود زیادی از دست می دهیم. برای حصول اطمینان بیشتر، هرکدام از ساعات رسمی مرسوم کلاس های دانشگاهی به قضاوت دانشجویان واگذار شده که نتایج آن، خواندنی و قابل تأمل است. نتایج به صورت گرافیکی در شکل (۶) نمایش داده شده است. در این شکل به ترتیب، ساعت های کلاسی مختلف مورد ارزیابی و نظرسنجی دانشجویان آمده و نتایج به صورت نمودارهای دایره نشان داده شده است.

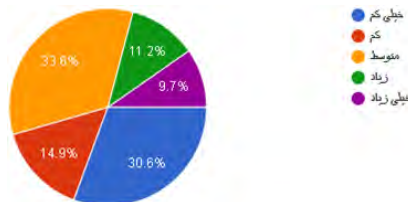


شکل ۶- تناسب ساعات کلاسی مختلف برای دروس معارف

بیش از ۶۷ درصد دانشجویان در خصوص تناسب ساعت ۸ تا ۱۰ صبح معتقدند که این ساعات مناسب نیست؛ و قریب به ۶۰ درصد آنها معتقدند به‌غایت نامناسب است. واقعیتی که تجربه عینی اساتید دروس معارف آن را تأیید می‌کند. از نظر دانشجویان، ساعات ۱۲-۱۰ به نسبت سایر ساعات، مناسب‌ترین ساعت برای نشستن دانشجو در کلاس درس معارف می‌باشد. از سطح متوسط تا خیلی زیاد مجموعاً ۱،۶۸ درصد، بیشترین رأی را به این ساعت کلاسی داده‌اند. از دیدگاه دانشجویان، تناسب ساعات ۱۴-۱۶ در مجموع خوب است؛ از سطح متوسط تا خیلی زیاد ۵۳ درصد، این ساعت را به‌طور نسبی مناسب دانسته‌اند. ۸،۵۴ درصد از دانشجویان از سه سطح متوسط، زیاد و خیلی زیاد در مجموع، رضایت نسبی خود را از ساعات برگزاری ۱۶-۱۸ اعلام نموده‌اند. البته با اختلاف ۳،۱۳ در مرتبه بعد از ساعت ۱۲-۱۰ قرار دارد. نامناسب‌ترین ساعات برگزاری دروس معارف از نظر دانشجویان ساعات ۱۸-۲۰ می‌باشد. در مجموع ۸،۷۴ درصد از دانشجویان به این بازه زمانی برای تدریس، دیدگاهی منفی دارند؛ که از این میزان ۶۰ درصد به گزینه تأثیرگذاری خیلی کم رأی داده‌اند. بنابراین، این ساعات را نامناسب‌ترین ساعات برگزاری دروس معارف دانسته‌اند. حتی میزان مخالفت شدید نسبت به این ساعت که با گزینه خیلی کم نمایان می‌شود، به نسب ساعات ۱۰-۸ که نارضایتی پررنگ دانشجویان را با خود دارد ۱،۸

درصد بیشتر می‌باشد. به نظر می‌رسد این نگاه منفی دو علت داشته باشد؛ یکی خستگی ناشی از یک روز فعالیت‌های مختلف روزانه و دیگری تعارض این ساعت با تفریحات و انجام کارهای شخصی دانشجویان از جمله بازار رفتن، خرید و امثال اینها. از نقطه نظرات دانشجویان روشن می‌شود نوع و ماهیت دروس، صرف نظر از ساعات برگزاری در میزان شور و نشاط دانشجویی کاملاً مؤثر است.

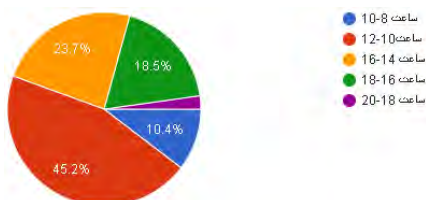
از پاسخ دانشجویان به سؤال «آیا شما به حضور در کلاس‌های معارفی علاقه‌ای دارید؟» روشن می‌شود که کلاس‌های معارفی از این جهت وضعیت مطلوبی ندارند. این دیدگاه می‌تواند ناشی از نوع نگاه کلی دانشجویان به دروس عمومی در کنار دروس اختصاصی باشد. متأسفانه غالب دانشجویان برای دروس عمومی نسبت به دروس تخصصی اهمیت کم‌تری قائل هستند و لذا، این نوع نگاه که ناشی از نوعی کم‌توجهی یا جهل نسبت به رسالت این دروس و نقشی است که در سعادت فردی و اجتماعی آنها دارد، پیوسته یکی از موانع فراگیری و به هدف رسیدن آموزش این نوع دروس بوده است. در این خصوص، لازم است اساتید این گروه پیوسته نقش این دروس هنجاری را در زندگی روزانه دانشجویان و در آینده او و خانواده و اجتماع، در کلاس‌ها تبیین کنند. باید تأکید شود دانشجویان هر مهارت علمی یا صنعتی را در هر سطح و مقطعی که به دست می‌آورد، بالاخره باید زندگی کند و آنچه زندگی او را به درستی مدیریت می‌کند و طعم زندگانی را به او می‌چشانند یا خدای ناکرده ناکامی و نامرادی را بر او تحمیل می‌کند، سبک زندگی او است که از رهگذر افکار، اعتقادات و ادراکات و گرایش‌های او شکل می‌گیرد، چیزی که دروس عمومی و معارفی متکفل آن است، نه دروس تخصصی. البته نمی‌توان از عامل سنخیت این دروس با ماهیت ساختار مدیریتی و حکمرانی و لوازم و نتایج آن از جمله وضعیت عمومی کشور و انتقاداتی که به مسائل جاری مملکت به خصوص معیشت مردم و وضعیت قشر جوان وارد است، غافل شد. بدون تردید و به حکم تجربه تمام اساتید این گروه، این نگرش در نوع نگاه و میزان اقبال دانشجویان به دروس معارف اسلامی تأثیر به‌سزایی دارد.



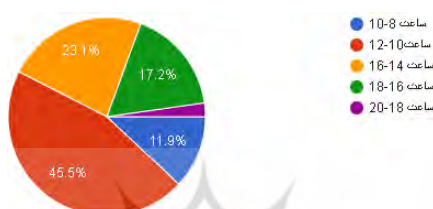
شکل ۷- میزان تشابه حس و حال کلاس معارفی و غیر آن در ساعت ۸-۱۰

در شکل (۷) حس و حال دانشجویان در ساعت ۸-۱۰ برای دروس معارفی و غیر معارفی مقایسه شده است. در شکل (۸) مشخص است که ساعات ۱۰-۱۲ از حیث شور و نشاط و انگیزش، بیشترین متقاضی

را دارند. شاخص نشاط و انگیزه، غیر از شاخص مناسبت زمانی است که در سؤالات پیشین مطرح شده بود.



شکل ۸- بهترین ساعت انگیزگی کلاس معارف از نگاه دانشجویان



شکل ۹- بهترین ساعت برای یادگیری و تأثیرپذیری

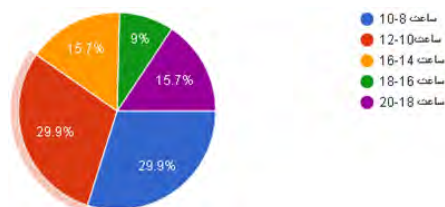
شکل (۹) بیانگر استقبال دانشجویان از ساعت ۱۰ از دید افزایش یادگیری و تأثیرپذیری دروس معارف است.



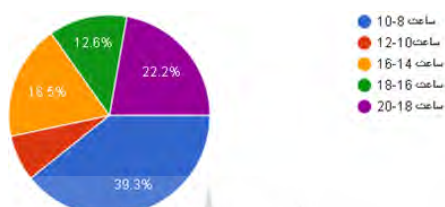
شکل ۱۰- نظر دانشجویان در مورد کسالت‌بارترین ساعت

یکی از آزاردهنده‌ترین عوامل در کلاس‌های درس، خواب‌آلودگی دانشجویان می‌باشد. این مسئله، هم موجب آزار دانشجویان می‌شود و هم اساتید. همان‌طور که شکل (۱۰) نمایش می‌دهد، همین عامل به‌ویژه در ساعات ۸-۱۰ میزان کارآمدی کلاس را در دروس معارف به شکل بارزتری کاهش داده است. به نظر می‌رسد در خصوص وضعیت خواب دانشجویان در خوابگاه‌های دانشجویی باید فکری اساسی و عملیاتی کرد. متأسفانه علل و عوامل متعددی باعث کم‌خوابی یا بدخوابی دانشجویان می‌شود. تأثیر بی‌خوابی بر ادراکات و هیجانات و عواطف انسان، امری قطعی و اثبات شده است. بی‌خوابی و بدخوابی یکی از مشکلات مهم و تأثیرگذار بر زیست دانشجویی و پایین آمدن کیفیت آن است. این مسئله را احیاناً همکاران، دانشجویان و یاوران علمی که عمدتاً مسئولیت سرای دانشجویی را عهده‌دار هستند، با قوت

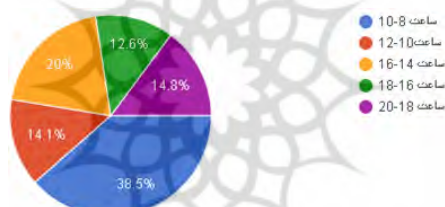
تأیید می‌کنند؛ لذا، بایستی تدابیری اندیشیده شود تا این مشکل مهم به‌درستی حل شود.



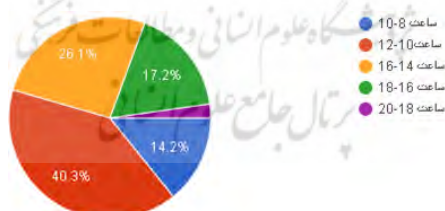
شکل ۱۱- نقش گرسنگی و تشنگی و احوال مزاجی در راندمان کلاس در چه ساعتی بیشتر است؟



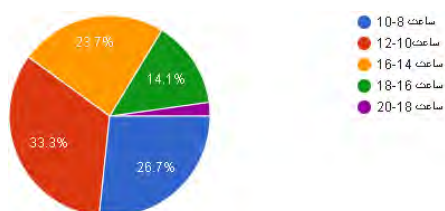
شکل ۱۲- احساس یأس و ناامیدی در کلاس درس معارف، بیشتر در چه ساعتی است؟



شکل ۱۳- احساس میل به اعتراض و انتقاد در چه ساعتی بیشتر است؟



شکل ۱۴- احساس معنویت بیشتر در کلاس معارف در چه ساعاتی اتفاق می‌افتد؟



شکل ۱۵- نقش اساتید در ساعات متفاوت

تأثیر عوامل مادی و جسمانی مثل بی‌خوابی، گرسنگی و تشنگی بر وضعیت و احساسات روحی و روانی فرد مانند یأس و ناامیدی و احساس اعتراض و انتقاد که نشانه‌های نارضایتی هستند، در کلاس‌های دروس معارف در این تحلیل آماری جالب و قابل تأمل است که در شکل‌های (۱۱-۱۵) به‌وضوح مشخص است. گرچه در خصوص تحلیل هریک از شاخص‌ها و باید و نبایدهای پیرامون آنها باید پژوهش‌هایی مستقل و مستوفی انجام شود.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به مجموع نقطه‌نظرات دانشجویان در این پژوهش می‌توان موارد زیر را به‌عنوان نتایج تحقیق مورد تأمل و استفاده قرار داد:

(۱) نتیجه بررسی و پایش میزان کارآمدی ساعات برگزاری دروس معارف اسلامی در طول یک روز تحصیلی با تمرکز بر مؤلفه‌ها و عناصری همچون احساس خستگی یا شور و نشاط، احساس یأس و ناامیدی، میزان علاقه‌مندی، میزان استقبال، مناسبت برای برگزاری کلاس، حس‌وحال درس داشتن، احساس انگیزندگی، میزان یادگیری، میزان تأثیرپذیری، بی‌خوابی یا بدخوابی، گرسنگی و تشنگی و عوارض جسمانی و روانی، میل و احساس اعتراض و انتقاد، و احساس معنویت، به‌روشنی گویای ناکارآمدی و عدم مناسبت بازه زمانی ۲۰-۱۸ به‌شکل کاملاً پررنگ می‌باشد. از حیث کسب نمره منفی در مرتبه بعد، ساعت ۱۰-۸ صبح قرار دارد که نگاه منفی دانشجویان به این ساعت در برخی موارد حتی پررنگ‌تر از ساعات ۲۰-۱۸ می‌باشد.

(۲) بهترین ساعات برگزاری کلاس‌های معارفی از دیدگاه دانشجویان، ساعات ۱۲-۱۰ می‌باشد؛ این بازه زمانی با فاصله معناداری از سایر ساعات از جهات مختلف مورد تأیید دانشجویان بوده است. بعد از این ساعت در رتبه دوم ساعات ۱۸-۱۶ و بعد از آن ساعات ۱۶-۱۴ قرار دارند.

(۳) به‌نظر می‌رسد نگاه منفی دانشجویان به ساعت ۱۰-۸ غالباً به‌علت عدم آمادگی جسمی و روحی به‌ویژه به‌علت کم‌خوابی یا بی‌خوابی؛ و نارضایتی از ساعت ۲۰-۱۸ بیشتر به‌دو علت خستگی پایان روز و تعارض این دو ساعت با انجام کارهای شخصی از جمله خرید و تفریح پایان روز می‌باشد.

۶. پیشنهاد

در سطح سیاست‌گذاری‌های کلان آموزشی معاونت امور اساتید نهاد معظم رهبری به معاونت‌های آموزشی دانشگاه‌ها و گروه‌های معارف اسلامی اعلام و در صورت لزوم و امکان، مقرر گردد تا حتی‌الامکان از برگزاری دروس معارف اسلامی در ساعات ۱۰-۸ و ۲۰-۱۸ خودداری شده و یا حداقل

کلاس‌های کم‌تری در این دو بازه زمانی برگزار گردد. البته، نظرسنجی در آغاز ترم تحصیلی از دانشجویان کلاس‌هایی که در این دو بازه تعریف شده است، می‌تواند به برگزاری یا عدم برگزاری کلاس در این ساعات یا انتقال آنها به ساعات مناسب‌تر کمک کند.



— منابع —

قرآن کریم.

- ابراهیم کافوری، کیمیا؛ ملکی، حسن؛ خسروی بابادی، علی اکبر (۱۳۹۴). بررسی نقش عناصر برنامه درسی کالین در افت تحصیلی درس ریاضی سال اول دوره متوسطه از دیدگاه شرکای برنامه درسی. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، شماره ۴۴.
- امینی، محمد؛ صمدیان، زهره؛ رحیمی، حمید (۱۳۹۲). بررسی دیدگاه دانشجویان درباره موانع اثربخشی دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی. اندازہ‌گیری تربیتی، شماره ۱۳.
- بلوسی، عفت (۱۳۸۵). بررسی اجمالی عنصر زمان و نقش آن در آموزش. تهران: کمیسیون برنامه درسی و تربیتی آموزش و پرورش.
- حلیمی جلودار، حبیب‌الله (۱۳۹۴). جستاری در میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی و عوامل مؤثر بر آن (نمونه موردی: دانشجویان دانشگاه مازندران). مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۱۹(۳).
- رهنما، شهرام؛ شرفی، مرضیه؛ حسنونند، شهرام؛ ملکی، مجید (۱۴۰۲). بررسی تأثیر محیط آموزشی دروس معارف اسلامی بر تقویت سرمایه اجتماعی دانشجویان. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۹۷.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ج ۲.
- طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری). بیروت: دار المعرفة، ج ۲۹.
- عزیزپور، ناهید؛ امینی، سیروان؛ محمدمرادی، چنور (۱۴۰۲). بررسی تأثیر مدیریت زمان بر یادگیری دانش‌آموزان در کلاس درس. در: استرالیا، ملیورن: هفتمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، حقوق، مطالعات اجتماعی و روانشناسی.
- غلامی گنجوی، عبدالله؛ شمسایی، مریم (۱۳۹۸). شناخت آسیب‌ها و راهکارهای کارآمدی دروس معارف اسلامی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۸۰.
- مرادی دولیسکانی، مرتضی؛ سعیدی رضوانی، محمود؛ کرمی، مرتضی؛ امین خندقی، مقصود (۱۳۹۵). شناسایی استانداردها و مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس استادان دروس معارف اسلامی. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۶(۲۱).
- مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد (۱۳۹۷). مثنوی معنوی. تهران: کومه، چاپ پنجم.
- یوسف‌زاده چوسری، محمدرضا؛ رستمی، مصطفی (۱۴۰۱). بررسی وضعیت موجود ماهیت عناصر ده‌گانه برنامه درسی دروس معارف اسلامی. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۹۳.
- Kayode, G.M. & Ayodele, J.B. (2015). Impacts of teachers' time management on secondary school students' academic performance in Ekiti State, Nigeria. *International Journal of Secondary Education*, 3(1), p.1-7.